

کارکردهای ادبیات کودک افغانستان در ایران

مورد مطالعه: آثار نویسندگان افغانستانی ساکن در ایران

معصومه موسویان



چکیده

کشور ایران در همسایگی افغانستان، بیشترین مهاجر افغان را نسبت به دیگر کشورهای جهان دارد. کودکان مهاجر افغان در ایران با مسائل مختلفی روبرو هستند. تعدادی شاعر و نویسنده افغان در ایران اقدام به تولید و نشر ادبیات کودک برای کودکان مهاجر هموطن خود در ایران کرده اند. پژوهش حاضر به میزان تطابق نیازها و مسائل کودکان مهاجر افغان ساکن در ایران با ادبیات کودک تولید شده توسط نویسندگان و شاعران افغان ساکن ایران می پردازد. برای رسیدن به این هدف در وهله اول با استفاده از روش تحقیق کیفی، راهبرد پژوهشی مطالعه موردی جمعی و مصاحبه به عنوان تکنیک گردآوری اطلاعات، مهم ترین نیازهای کودکان مهاجر افغان شناسایی گردید. نمونه گیری به شیوه هدفمند بوده و چهار نفر از فعال ترین شاعران و نویسندگان افغان که دارای بیشترین متون منتشر شده در این زمینه بودند، مصاحبه شدند. در

کلیدواژه‌ها: ادبیات کودک، اهداف و کارکردهای ادبیات کودک، کودکان افغانستان، شاعران و نویسندگان افغانستان

مرحله بعد به ادبیات تولید شده توسط نویسندگان که در حوزه کودک مشغول فعالیت بوده و هستند، مراجعه و با تکنیک تحلیل محتوای کیفی موضوعات مهم و مورد توجه این آثار شناسایی گردید. نتایج نشان می‌دهد مضامین دینی و پرداختن به مفاهیم اخلاقی بیشترین موضوعاتی است که در این ادبیات (داستان‌ها و شعرها) آمده‌اند. در حالی که آموزش، امنیت، بهداشت و وضعیت معیشت از مهمترین نیازهای کودکان مهاجر افغان در ایران است. مقایسه ادبیات تولید شده برای کودک مهاجر افغان با نیازهای شناسایی شده در مطالعه کیفی میدانی، بیانگر این نکته است که میان آثار تولید شده و نیازهای کودکان شکاف آشکاری وجود دارد. لذا فلسفه وجود تولید این ادبیات و کارکرد واقعی آن مورد تردید است و با هدف مورد نظر تولیدکنندگان آن (شاعران و نویسندگان افغان) مغایرت وجود دارد.

۱- مقدمه

کشور ایران به دلیل همسایگی با کشور افغانستان، سالهاست میزبان تعداد زیادی مهاجر از این کشور است و کودکان نیز تعداد زیادی از این مهاجران را تشکیل می‌دهند. بعضی از این کودکان دارای کارت اقامت هستند و با مجوزهای قانونی و تعداد زیادی هم به صورت غیر قانونی زندگی می‌کنند. تعداد کمی از کودکان افغانستانی فرصت و امکان آموزش و فراگیری سواد را دارند و در سال ۱۳۹۴ پس از فرمان رهبر جمهوری اسلامی اجازه قانونی آموزش برای همه کودکان افغانستانی صادر شده است که تا اجرا شدن نهایی آن هنوز مسیر طولانی پیش روست. (فارس: ۱۳۹۴/۰۶/۲۲، جزئیات ثبت نام و تحصیل دانش آموزان افغانستانی در ایران)

طبق آخرین آمار منتشر شده حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار مهاجر افغانی در ایران حضور دارند. یک میلیون نفر از این مهاجران در قالب طرح آمایش هستند به نحوی که کارت حضور و اقامت دارند. حدود ۴۵۰ هزار نفر از آنان نیز گذرنامه دریافت کردند و ورودشان به کشور قانونی است اما متأسفانه تعداد یک میلیون نفر از این افغانی‌ها به طور غیر مجاز در کشور حضور دارند. ما در کشورمان ۲۲ اردوگاه ایجاد کرده ایم و نیروی انتظامی به صورت روزانه آنان را از سراسر کشور جمع می‌کند و با تقبل هزینه‌های بسیاری آنان را به مرز انتقال می‌دهد اما متأسفانه به علت کنترل نکردن دولت‌های پاکستان و افغانستان کماکان آنان بازمی‌گردند. رحمانی فضلی با اشاره به اینکه

ما الان ۲۲ مرکز نگهداری اتباع بیگانه تحت عنوان اردو گاه داریم، افزود: در ۱۹ استان کشور حضور مهاجرین افغانستانی ممنوع است و بقیه استانها نیز به تناسب حضور اتباع غیرمجاز، مقررات خاص اجرا می شود. تاکنون ۳۵۰ هزار دانش آموز و ۱۱ هزار دانشجوی افغان در دانشگاه های ایران مشغول تحصیل هستند، ۱۷ هزار نفر از فارغ التحصیلان دانشگاه های ما هم از اتباع افغانستان هستند. تا سال ۱۳۹۰ بیش از ۴۰۰ هزار کودک افغانستانی در ایران از تحصیل باز مانده اند. (صدا و سیما: ۱۳۹۴/۲/۲۲، ۲.۵ میلیون مهاجر افغانی در ایران)

کودکان افغانستان در مدارس ایران و مدارس خودگردان، کتاب های درسی دانش آموزان ایرانی را می خوانند و از آموزش خاصی درباره کشور خودشان برخوردار نیستند. (مشاهدات میدانی نگارنده)

تعدادی از شاعران و نویسندگان افغانستانی در ایران در سال های اخیر به فعالیت در حوزه ادبیات کودک به گویش فارسی دری پرداخته اند. آنها تعدادی کتاب به چاپ رسانده اند و همچنین توانسته اند مجوز انتشار دو مجله دریافت کنند که این مجلات تا شهریور ماه سال ۱۳۹۵ به طور مرتب چاپ شده است. وزارت فرهنگ و ارشاد ایران هم از انتشار این کتاب ها و مجلات حمایت کرده است. همچنین نهادی به نام «خانه ادبیات افغانستان» در ایران تاسیس شده است که شعبه ای هم در کابل پایتخت افغانستان دارد. خانه ادبیات افغانستان بیشتر در حوزه ادبیات بزرگسال کار می کند. بخش کودک و نوجوان یکی از بخش های وبسایت این نهاد است اما فعالیت خاصی ندارد و به معرفی مجله باغ پردازد و گاهی اخباری در این حوزه را منتشر می کند.

۲- پیشینه پژوهش

در خصوص وضعیت ادبیات کودک افغانستان در ایران تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. کتابی با عنوان «تاریخ تحلیلی ادبیات کودکان افغانستان»، حاصل پژوهش «فاضل شریفی» از فرهیختگان افغان، تنها منبع در زمینه تاریخ ادبیات افغانستان است در این زمینه وجود دارد اما این کتاب هم وضعیت ادبیات کودک افغانستان را در همان کشور بررسی کرده است و نه ایران. در محله کتاب ماه ادبیات کودک سال ۹۳ شماره ۲۲ به بررسی وضعیت ادبیات کودک افغانستان می پردازد اما حوزه مطالعاتی او هم آثاری است که برای کودکان در کشور افغانستان منتشر شده اند.

در ارتباط با موضوع این پژوهش تنها مصاحبه‌ها و نشست‌های پراکنده‌ای در نشریات مطرح شده است که در متن اصلی مقاله به فراخور موضوع بدان اشاره شده است.

۳- مبانی نظری

در تحلیل و ارزیابی موضوع مورد بحث این مقاله از نظریات «لسنیک ابرشتاین» و «ژاکلین رز» بهره گرفته شده است. در اینجا دو نکته و مساله مهم، مورد توجه است: نکته اول، مخاطب این آثار است. مخاطبی که ظاهراً کودک است. و نکته دوم موضوعات و طبیعتاً کارکردهای آثار ادبی تولید شده است. این دو مساله از هم جدا نبوده و با یکدیگر کاملاً مرتبطند. در خصوص مخاطب و ارتباط آن با کارکرد، لسنیک ابرشتاین معتقد است «اگر نمی‌دانیم کدام کتاب‌ها، کتاب کودکند، چگونه خواهیم دانست که بهترین کتاب‌ها برای کودکان کدام‌ها هستند؟ زیرا معنای «ادبیات کودک»، در بنیادی‌ترین مفهوم، برای هر منتقدی که این عبارت را به کار می‌برد، عبارت است از کتاب‌هایی که برای کودکان مناسب‌اند و این مناسب بودن، به ویژه از جنبه ارزشهای عاطفی و اخلاقی مطرح است.» (ابرشتاین، ۱۳۷۸: ص ۲۹۴)

رز می‌گوید: «ادبیات کودک بر این باور استوار است که کودکی وجود دارد که باید مخاطب قرار داده شود و صحبت با او آسان است... اگر داستان کودک در درون کتاب، تصویری از کودک در داخل کتاب می‌سازد و ارائه می‌دهد، به این دلیل است که کودک بیرون کتاب را به چنگ آورد؛ کودکی که به این آسانی به دست نمی‌آید.» ۱۶
لسنیک-برانشتاین هم به نظریه رز در مقاله خود اشاره می‌کند: «رز بر آن است که پیش از هر چیز، کودکان بر اساس طبقه، نژاد، خاستگاه‌های قومی، جنسیت و عواملی از این دست از هم جدا شده‌اند. اما بحث او از این تندروانه‌تر است: برای رز، «کودک» سازه‌ای ابداع شده برای نیازهای منتقدان و نویسندگان ادبیات کودک است و نه موجودی علمی، عینی و مشاهده‌پذیر. رز درباره نیازهای بزرگسالان، با واژگانی فرویدی، از جمله ناخودآگاه، بحث می‌کند. بنا براین، وی، مسلماً نمی‌خواهد بحث کند که فرایند ساختن «کودک» یا کتاب برای کودک، می‌تواند، یا باید، به سادگی متوقف شود.» (ابرشتاین، ۱۳۷۸: ص ۲۹۸)

لسنیک در ادامه می‌گوید: «البته باید توجه داشت که باور به مفهوم کودک، همچون «سازه»، به معنای زائد و نامربوط بودن این مفهوم نیست. این گونه استفاده از سازه، به عقاید

فلسفی گسترده تر درباره شیوه کارکرد مفاهیم بستگی دارد.»^{۱۹} السینک همچنین معتقد است که «خلاف گروه های غیر توانمند مانند زنان که می توانند از طرف خود صحبت کنند؛ بچه ها در تاریخ و فرهنگ چنین صدایی ندارند کودک در طبقه بندی جامعه صدایی ندارد؛ زیرا بزرگسالان او را خاموش می کنند یا صدای او را می سازند.» (همان، ص ۳۶)

۴- معرفی آثار شاعران و نویسندگان افغانستانی تولید شده در ایران برای کودکان و نوجوانان

در این مقاله ۵ کتاب داستان و شعر و داستان و اشعار دو مجله آفتاب و باغ مورد بررسی قرار گرفته است. و بررسی های نگارنده نشان می دهد که تقریباً این آثار تمامی آن چیزی است که از سوی نویسندگان و شاعران کودک افغانستانی در ایران برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است. «محمد سرور رجایی» یکی از فعال ترین نویسندگان و شاعران افغانستانی ادبیات کودک که اکنون در ایران زندگی می کند، مدیر مسئول مجله باغ و مسئول خانه افغانستان معتقد است «اگر به داشته های ادبی و هنری کودکان و نوجوانان خود در یک صد سال اخیر بنگریم، متأسفانه باید گفته شود که با احترام به شمار اندکی از نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان، میراث داران ادبی خوبی نداشته ایم. بسیاری از نشریه ها آمدند و چند صباحی منتشر شدند و به محاق فراموشی رفتند.» (رجایی، ۱۳۹۵/۲/۵، بی توجهی مسئولان به ادبیات کودک و نوجوان افغانستان)

آثار مورد بررسی:

– شهر رویاها مجموعه شعر از محمد کاظم محقی
«شهر رویاها» مجموعه ۱۲ شعر است از محمد کاظم محقی (۱۳۹۱) و در صفحه شناسنامه کتاب مشخص شده که این کتاب برای گروه سنی الف و ب (یعنی سنین زیر ۷ سال تا ۹ سال) است. کتاب توسط نشر وابسته به افغانیان مقیم ایران به چاپ رسیده است.
چهار کتاب از محمد حسین محمدی. عناوین و خلاصه این کتاب ها به شرح زیر است:
– «یک آسمان گنجشک»؛ مجموعه شعر برای نوجوانان
در این مجموعه ۱۲ شعر آمده و در شناسنامه کتاب گروه سنی ج (۱۰ تا ۱۲ سال) ذکر شده است.

- «چترهای دلگیر»؛ مجموعه شعر نوجوانان
مجموعه ۱۲ شعر است. تقریباً در تمامی اشعار به گویش دری است.
- «غچی غچی بهار شد»؛ مجموعه ترانه‌های افغانستان کودك
۱۵ ترانه محلی افغانستان و همه به گویش دری سروده شده‌اند. برای کسی که به این
گویش مسلط نباشد، فهم ترانه‌ها مشکل است.
- «بزرگ چینی»؛ داستان کودك

ماجرای بزی است که سه تا بچه دارد. گرگی در نزدیکی آنها زندگی می‌کند. روزی
بز از خانه به دنبال علف می‌رود و از بچه‌هایش می‌خواهد تا در خانه را به روی هیچ
کس باز نکنند. اما گرگ می‌آید و بچه‌ها را فریب می‌دهد و دو تا از آنها را می‌خورد.
یکی که کوچکتر است پنهان می‌شود. مادر که بر می‌گردد ماجرا را از بچه
کوچک می‌فهمد. بز مادر پیمش آهنگر می‌رود تا شاخ‌هایش را برایش تیز کند. سپس
به جنگ گرگ می‌رود و شکمش را پاره می‌کند و بچه‌هایش را نجات می‌دهد. (این
قصه در ایران به قصه بزبز قندی معروف است.)

- داستان‌ها و اشعار مجله «باغ» منتشر شده در سال ۲۰۱۶ با مسوولیت محمد سرور
رجایی و سردبیری باهر بیانی. مجله باغ يك ماهنامه است که تا کنون ۵۵ شماره منتشر
شده است اما دسترسی به همه شماره‌ها امکان‌پذیر نبود و تنها ۱۰ شماره موجود بود
که از آن میان ۲۰ شعر و ۵ داستان را شامل می‌شد.

- داستان‌ها و اشعار مجله «کودکان آفتاب» منتشر شده در سال ۲۰۱۶ با مسوولیت
حسین سوختانلو و سردبیری نادر موسوی از این مجله تا کنون ۴ شماره منتشر شده
است. ۴ که مجموع ۱۰ شعر و ۵ داستان مورد بررسی قرار گرفت.

۴- بررسی مهمترین موضوعات و کارکردها و اهداف
آثار ادبی مذکور در دو مبحث مورد بررسی قرار گرفت: میزان شعرها و داستان‌های
به گویش مادری و بررسی موضوعی آثار. ۸۱ شعر و ۱۱ داستان مورد بررسی قرار
گرفته است.

از این میان ۵۵ شعر و ۸ داستان به گویش مادری سروده و نوشته شده است و یا در آنها
کلماتی به گویش فارسی دری استفاده شده است. (نمودار شماره يك)

از نظر موضوعی به ترتیب فراوانی این مفاهیم استخراج شد: (نمودار شماره ۲)

۱- آشنایی با طبیعت، دوستی با طبیعت، توجه به زیبایی‌های آن و تلاش برای محافظت

از آن ۲- آشنایی با آموزه های دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع، اصول دین و کسب اخلاق نیکو ۳- آشنایی با بازی های بومی و محلی، آیین ها و رسوم افغانستان ۴- دوست داشتن صلح و بیزاری از جنگ

بین مفاهیم استخراج شده از آثار مذکور، مفهوم «آشنایی با آموزه های دین اسلام» به دلیل اهمیت مورد توجه خاص تر قرار داده شد و تنوع مفاهیم ضمنی آن به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفت که به ترتیب فراوانی شامل این موارد می شود: (نمودار شماره ۳)

قرآن، نماز و روزه، احترام به پدر و مادر و محبت کردن به آنها، توحید و خداشناسی، توجه به امامان شیعه، احترام به سالمندان، مراقبت از آنها و دوست داشتن آنان، یاری به هممنوعان و نیازمندان.

سخنان تولید کنندگان ادبیات مورد بررسی و اهدافی که مورد نظر داشته و دارند، گاه بر موضوعات استخراج شده صحنه می گذارد و گاه آن را نفی می کند:

محمد سرور رجایی معتقد است: «افغانستان بیش از ۴ دهه است که درگیر نابسامانی های جنگ های ویران گر است. یقیناً در این نابسامانی های ویرانگر بیش از همه به فرهنگ و ادبیات ما آسیب رسید. بیش از فرهنگ و ادبیات، ادبیات کودک و نوجوان ما دچار بی مهری و ستم روزگار شد. باور منست که هر کشوری که ادبیات سالم و پرازامید و نشاطی را برای کودکان و نوجوانان خود بیافریند، نویسندگان حرفه ای که برای کودکان از شادی و رفاقت را بنویسند، امنیت و صلح آن کشور را افزایش داده است. باور کنند که ادبیات کودک و نوجوان خاصیت جام بلورینی را دارد که هر چه در آن ریخته شود، دیده می شود. بیاییم در چنین ظرف شفاف برای کودکان خسته از جنگ و ناامنی کشور مان امید، صلح، امنیت، مهربانی و لبخند بریزیم. وضعیت کودکان کشور ما نگاه ویژه را می طلبد، چرا؟ چون کشور ما افزون بر کودکان کار و خیابانی و بازمانده از تحصیل، کودکان بی سرپرست بسیاری دارد. در این وضعیت است که ادبیات کودک و نوجوان ما زخم خورده ترین ادبیات کودک و نوجوان دنیاست. برای التیام این زخم ما نیاز به صداقت رفتار و گفتاری داریم که پیش از آن که ادبیات کودک و نوجوان ما را بارور سازند، به کودک و نوجوان ما احترام بگذارند. اجازه بدهند که آنها کودکی کنند، شادمانه بازی کنند. لبخند بزنند. گام اول، با حضور دوستان ایرانی و افغانستان برداشته شد. حالا بیشتر از دیروز امیدواریم که بتوانیم ادبیات مغفول مانده کودک

و نوجوان افغانستان را معرفی کنیم. ادبیات کودک و نوجوان افغانستان و ایران که ریشه در اصل زبان فارسی دارد، می‌تواند در کنار هم باغ‌های بسیار خرمی بیافریند تا سال‌های سال کودکان زبان فارسی در این باغ با هم بازی و شادی کنند، شعر بخوانند، قصه بگویند و لبخند بزنند.» (رجایی، ۱۳۹۵/۲/۵، بی‌توجهی مسئولان به ادبیات کودک و نوجوان افغانستان)

در ادامه، نمونه‌ای از اشعار و داستان‌ها آورده می‌شود:
آشنایی با طبیعت، دوستی با طبیعت، توجه به زیبایی‌های آن و تلاش برای محافظت از آن

* برف هم خوب است / برف هم زیباست / شهر ما در برف / شهر رویا هاست (شهر رویاها ص ۸)

* شب که شد ماه چادری سر کرد / چادری گل‌گلی و بی‌مانند / دسته‌های ستاره بر دورش / باز هم شادمانه می‌خوانند (یک آسمان گنجشک ص ۱۴)

* غچی غچی بهار شد / وقت گل انار شد / غچی گل‌گل کار اس / مرغک هوشیار اس / ده گردنش طوق اس / قاصدک بهار اس (غچی غچی بهار شد ص ۴)

* روشنی / میوه داد / مثل باغ / مثل ماه / سیب نور / شد چراغ (رجایی: ۱۳۹۵ مجله باغ ص ۱۵)

توجه دادن کودکان به طبیعت و فواید آن و محافظت از محیط زیست یکی دیگر از موارد توجه پدیدآورندگان در این دسته از شعرهاست:

* باز فصل بهار پر کرده است / خانه را از صدای گنجشکان / خواهرم باز دانه می‌ریزد / صبح‌ها از برای گنجشکان (یک آسمان گنجشک ص ۸)

داستان «من و نهال» نمونه دیگری از این آثار است:

* فریاد زدم بیا برویم بدویم و بازی کنیم. نهال گفت: نمی‌توانم، تو نمی‌بینی ولی من ریشه دارم، ریشه‌هایم در خاک هستند و اگر زیاد شور بخورم، خشک می‌شوند. (پژواک: ۱۳۹۴، کودکان آفتاب)

* یا دعا برای باران و از خداوند کمک خواستن برای حفظ محیط زیست:

* ای خدا، ای خدای باران‌ها! / خنده‌ای کن، بریز باران را / تو بگو باد صبحگاهی را / تا که جارو کند خیابان را (چترهای دلگیر ص ۴)

و گاهی نیز طبیعت با خود شادی و نشاط همراه می‌آورد و شاعر آرزو می‌کند تا

زیبایی های طبیعت بازگردند و همه جا زیبا تر و شاد تر شود:
* پرستو جان! بیا، جان شکوفه/بیاور باز باران شکوفه/خیابان های شهر آسمان
هم/چراغانه، چراغان شکوفه/ لب و لبخند و گل در انتظار است/ بیا باران! بیا جان
شکوفه(چترهای دلگیر ص ۳۰)

* مژده که آمد بهار/سبزه و گل بی شمار/آب فراوان به باغ/گشته روان هر کنار (مایل):
۱۳۹۴، مجله باغ ص ۱۳

* آسمان دوباره هدیه کرد/دانه دانه نقره های برف/بال می زنند شادمان/دانه های بی
صدای برف (نوروزی: ۱۳۹۴، مجله کودکان آفتاب ص ۳۹)
طبیعت و زیبایی های آن یکی از نشانه های خداوند است و توجه به آن انسان را
متوجه خداوند و صفات او می کند:

* دو تا صخره سنگ/ دو تا ابر تارک/ دو تا چشمه ی کوه/ دو تا رود باریک/و تصویر
گنگی/ از ان شرش آب/از آن برگ پاییز/از آن رنگ مهتاب/ چه می شد خدا/یا/به
جای دو صد چیز/ تو بودی، فقط تو/ در این قلب ناچیز (شهر رویا ها ص ۱۲)
* بوی خدا، بوی خوش یاس هاست/ رنگ خدا، ساده چون گیلاس هاست/چلچله ها
خنده کنان می پرند/ناز کنان تا به خدا می روند(چترهای دلگیر ص ۲۶)
آشنایی با آموزه های دین اسلام و به خصوص مذهب تشیع، اصول دین و کسب اخلاق
نیکو

در ۲۴ اثر به این موضوع توجه شده است و این موضوع دومین رتبه را در فراوانی
موضوعی دارد.

قرآن کتاب آسمانی مسلمانان و نماز و روزه که یکی از عباداتی است که مسلمانان انجام
می دهند:

داستان «فرشته آسمانی» در شماره ۵۴ مجله باغ ماجرای کودکی است که همراه مادرش
در سفر است اما نگران این است که نتواند سر موقع نمازش را بخواند و در نهایت نه
تنها خودش نماز می خواند بلکه دیگران هم مانند او به خواندن نماز تشویق می شوند:
* «دید که زهرا دارد نماز می خواند. چند مرد و زن دیگر هم پشت سرش ایستاده بودند
و نماز می خواندند.»(حسینی: ۱۳۹۵ مجله باغ ص ۵)

شعر «اوسانه سی سانه» توصیف تلاش کودکی است برای به دست آوردن قرآن و تسبیح
تا با ایمان شود:

* تسبیح دادم به ملا، ملا به من قرآن داد/ قرآن خواندم و خواندم/ خدا به من ایمان

داد (غچی غچی بهار شد ص ۲۴)

تو حید و خداشناسی:

* ای خدای خوب من / ای خدای مهربان / ای که آفریده ای / این زمین و آسمان / در کجای عالمی؟ / در زمینی یا هوا؟ / باز هم به خواب من / مهربان من / بیا / تو بیا که من شوم / شاد شاد شاد / هر چه غصه و غم است / روی شان سیاه باد (شهر رویاها ص ۱)

توجه به امامان شیعه

* مدینه خندان شد / زمین چراغان شد / و آسمان شهر / ستاره باران شد / آسمان آمد / ستاره هشتم / شکفت لبخندی / به صورت مردم (شهر رویاها ص ۲)

احترام به پدر و مادر و محبت کردن به آنها:

* موضوع اصلی داستان بزک چینی احترام به پدر و مادر است.

* داستان «کفش هایی که خندیدند» در ماجرای فداکاری پدری است که با اینکه خودش کفش ندارد اما می رود تا برای کودکش کفش نو بخرد. پسر این را می فهمد و بسیار شرمنده پدرش می شود.

(زمانی، ۱۳۹۵، مجله کودکان آفتاب ص ۲۰)

احترام به سالمندان، مراقبت از آنها و دوست داشتن آنان:

* مثل هر روز درد دارد باز / ای خدا، پاهای بی بی جان / باز بعد از نماز می خوانم / من دعایی برای بی بی جان (محمدی، ۱۳۹۵، مجله باغ ص ۱۵)

یاری به هموعان و نیازمندان

* در جنگل بسیار دور شیر مغروری زندگی می کرد. او روزی در دام شکارچی افتاد. هر کار کرد نتوانست خود را آزاد کند. از ترس شروع کرد به نعره زدن. از نعره های شیر، تمام حیوانات جنگل بی خواب شده بودند. موش سپیدی که زیاد تر بی طاق شده بود، با صدای بلند گفت: یکی نیست که به سلطان جنگل کمک کند و او را نجات بدهد. اما هیچ صدایی نشنید. موش تارهای دام را جوید تا دام پاره شد و شیر آزاد شد. (قاسمی، ۱۳۹۵ مجله باغ ص ۵)

دوست داشتن صلح و بیزاری از جنگ

* پدر می گفت: این جنگ است / و من گفتم: تو غمگینی / فقط جنگ است در چشمت / پدر! گل را نمی بینی؟ / ... پدر جان شهرمان هم سوخت / پدر مردم نمی خندند / پدر کاغذ پران ها هم / درگ این جا نمی رقصند (چترهای دلگیر ص ۱۸)

* چون آب / چون هوا / چون کار / چون غذا / چون عشق / چون صفا / محتاج تو ایم / ای صلح بیا (پژواک، ۱۳۹۵، مجله باغ ص ۱۵)

۵- تحلیل و ارزیابی:

با توجه به مباحث نظری و بررسی محتوایی ادبیات مذکور؛ دو نکته قابل نقد و بررسی است. نکته اول، مخاطب این آثار است. مخاطبی که ظاهراً کودک است و نکته دوم اهداف نویسندگان و شاعران ادبیات مورد بررسی است. این دو مساله از هم جدا نبوده و با یکدیگر کاملاً مرتبطند. با توجه به نظر «لسنیک ابرشتاین» کتاب هایی را مناسب می دانیم که ارزشهای اخلاقی و عاطفی را مورد توجه قرار دهند. از این منظر ادبیات مورد بررسی در این مقاله و کتاب ها و مجلات منتشر شده برای کودکان افغانستانی مقیم ایران همه کتاب های مناسبی هستند. تقریباً می توان گفت تمامی آنها به ارزشهای اخلاقی همچون احترام به بزرگتر، احترام به یکدیگر، احترام و دوست داشتن طبیعت، تلاش برای آباد ساختن میهن، میهن دوستی و ... توجه کرده اند. و آشکار است که نویسندگان و شاعران افغان قصد دارند از طریق کتاب هایشان مخاطبانشان را با این ارزشهای اخلاقی آشنا کنند. از طرفی با توجه به نظر رزکودکان مخاطب این آثار سازهایی هستند که چون خود صدایی نداشته اند نویسندگان و شاعران هموطنشان، صدای آنها شده و از زبان خود برای آن ها نوشته اند. شاعران و نویسندگان افغانستانی سعی بر این داشته اند تا از طریق این ادبیات مخاطب کودک خود را به دست آورند. به عبارتی وی معتقد است «بزرگسالان، این کودک را در جهت مقاصد (و در واقع امیال) خودشان و به عنوان قرارگاهی برای کتمان گسست هایی که ما را عذاب می دهد، می سازند: نگرانی هایی که درباره فقدان انسجام در ذهنیت خود داریم، نگرانی هایی که در مورد بی ثباتی زبان داریم و نیز نگرانی های ما درباره وجود.» (راد، ۱۹۸۴: ص ۲۶)

در اینجا مساله اهداف ادبیات مورد نظر مطرح می شود. در این حوزه دو رویکرد وجود دارد. «کودک همچون هدف و کودک همچون وسیله، این دو رویکرد عمده اند. کودک همچون هدف... کودکی را آرامان انسان بودن می شمارد... و آرامان او تحقق انسان و کمال او در کودکی است، بر یکپارچگی و وحدت وجود کودک و نیز بر یکپارچگی و وحدت کودک با هستی نیز پای می فشارد. اما رویکرد دومف کودک همچون وسیله، رویکردی بزرگسال گرا است. کودک در این رویکرد، در این دیدگاه، انسانی رشد نیافته است که باید به مدد هدایت بزرگسالان کامل، راه کمال پیماید. این رویکرد که در نهایت یک رویکرد جامعه گرا است، به تعبیر دیوئی از آن جا بر می خیزد که جامعه برای حفظ خویش، به طور طبیعی متمایل به تعیین فعالیت های کودکان و جهت دهی

رفتار آنان است.» (خسرو نژاد، ۱۳۸۴)

بر این اساس رویکرد شاعران و نویسندگان ادبیات مورد بحث رویکرد «کودک به عنوان وسیله» است. موضوعات مطرح شده بیانگر مهمترین دغدغه‌ها و لذا اهداف آنان است. تمام هدف آنان حفظ کودکان افغانستانی در ایران است و اینکه آنها با زبان خویش آشنا شده و نسلی بشوند که شاید فردای جامعه افغانستان را بسازند.

۶- بحث و نتیجه‌گیری

کتاب‌هایی که ارزشهای اخلاقی و عاطفی را مورد توجه قرار دهند، برای این گروه از مخاطبان، مناسب است. از این منظر ادبیات مورد بررسی در این مقاله و کتاب‌ها و مجلات منتشر شده برای کودکان افغانستانی مقیم ایران همه کتاب‌های مناسبی هستند؛ چرا که تمامی آنها ارزشهای اخلاقی همچون احترام به بزرگتر، احترام به یکدیگر، دوستی با طبیعت، تلاش برای آبادی وطن، میهن دوستی و ... را مورد توجه قرار داده‌اند.

اما مخاطب در این بحث که همانا کودک باشد، مخاطبی است خاص با شرایط روحی و روانی ویژه. کودکان افغانستانی مقیم ایران با مسائل و مشکلات مختلفی مواجه‌اند. آن‌ها به لحاظ روحی و روانی بسیار پیچیده‌تر و دست‌نیافتنی‌تر از کودکان ایرانی هستند که در کشور خود زندگی می‌کنند. آنها متعلق به کشوری هستند که جنگ، فقر و مسائل اجتماعی در آن بیداد می‌کند. امید به بازگشت به وطن در آنها اندک است. کودکانی که حتی پدر و مادر اغلب آنان در ایران متولد شده‌اند. بسیاری از آن‌ها کارت و مجوز اقامت و اجازه تردد در شهرهای ایران را ندارند. چگونه می‌توان به چنین مخاطبی به آسانی نزدیک شد و امیدوار بود که بتوان از طریق ادبیات ذهن و روح او را تحت تاثیر قرار داد؟ در خوشبینانه‌ترین حالت، آیا می‌توان گفت آنها با خواندن این داستان‌ها و شعرها به سرزمین خود علاقه‌مند شده و به کشورشان باز خواهند گشت؟ آیا از طریق مطالعه‌ی اشعاری به گویش‌داری می‌توان آنان را با گویش اصلی و مادریشان آشنا کرد؟

کودکان افغان در جامعه‌ای رشد می‌کنند که از آن آنان نیست، آن‌ها همچون سازه‌ای هستند که شرایط اجتماعی موجود از آنان موجودی دیگر - آن چنان که خود می‌خواهد - ساخته است. آنها در مدارس غیر افغانستانی درس می‌خوانند، آموزش‌هایی می‌بینند که ارتباطی با تاریخ و فرهنگ کشورشان ندارد، از طرفی دسترسی آنان به

ادبیات خاصی که برای آنان تولید شده است، اندک است و همان اندک هم با اهداف خاصی از سوی نویسندگان و شاعران تولید شده است. این کودکان از هر سو با آموزش ها، کتاب ها و شرایطی روبرویند که آنان را محدود کرده و خواسته های اصلی شان را نادیده می گیرد و صدای آنان را نمی شنود.

کودکان مهاجر در هر سرزمینی و به ویژه در این بحث، کودکان مهاجر افغانستان در ایران مشکلات متعددی دارند که مهمترین آنها بی هویتی و به دنبال آن محروم شدن از یک زندگی عادی و طبیعی است. در این میان تعدادی از نویسندگان و شاعران که از میان همین کودکان مهاجر برخاسته اند؛ شاعران و نویسندگانی که ساکن ایران هستند و خود با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده اند و از سویی دلبستگی به میهن و زبان مادری در آنها بسیار است، آثاری برای کودکان هموطن خود در ایران منتشر کرده اند. آنها به دلایلی نمی توانند این کتاب ها را در تیراژ بسیار بالا چاپ کنند تا اطمینان حاصل کنند که آیا به دست همه ی مخاطبانشان در سرتاسر ایران خواهد رسید یا خیر؟ علاوه بر این، قیمت کتاب ها نیز باعث می شود تعداد کمتری از مخاطبان امکان تهیه ی آن ها را داشته باشند.

آنها برای آثارشان از گویش فارسی دری که زبان و گویش مادریشان است، استفاده و تلاش می کنند تا این گویش را در کشوری که بدان مهاجرت کرده اند، حفظ کنند و به دیگران نیز بیاموزند. تلاش و دغدغه این نویسندگان و شاعران قابل توجه و ستودنی است. آنها مایلند کودکان هموطنشان، میهن را فراموش نکنند و برای آبادانی آن بکوشند. آنها داستان و شعرهایشان را وسیله ای برای دستیابی به چنین هدفی قرار می دهند. اما به نظر می رسد سرودن اشعاری و داستان هایی به زبان مادری به تنهایی کافی نیست. توصیف زیبایی های طبیعت می تواند کمی به خیال آشفته آنها آرامش بخشد و آن ها را دلبسته طبیعت زیبا و بکر میهن کند اما نمی تواند دغدغه بی هویتی، تغذیه نامناسب، محروم بودن از آموزش را کاهش دهد و چگونه کودکی که گرسنه است و یا کودکی که نمی داند باید خود را به ایران وابسته بداند یا به افغانستان و یا کودکی که نمی تواند به مدرسه برود، از این زیبایی های طبیعت و خیال انگیزی شعر لذت ببرد. به نظر می رسد برای چنین مخاطبانی، به ادبیاتی خاص نیاز است. ادبیاتی که با شناخت کافی از مسائل و مشکلات کودکان بتواند بخشی از دغدغه های آنان را مورد توجه دهد.

ما به گونه ای از ادبیات کودک احتیاج داریم که برای کودکان مهاجر نوشته و تولید شود. «ادبیات کودک ویژه کودکان مهاجر» ادبیاتی با ظرفیت بالا برای کمک به کودکان مهاجر. برای ارتباط موفق و موثر با آنها. ادبیاتی که بتواند به این کودکان برای ساختن یک زندگی بهتر و پر امید تر کمک کند. بدیهی است که این ادبیات هر چه باشد، همانند دغدغه اصلی نویسندگان و شاعرانش، باید بتواند به آنان امید به زندگی بخشد، هویت از دست رفته را به آن ها بازگرداند و آنان را برای زندگی آماده تر سازد. اما ادبیات مذکور، برای تاثیر گذار بودن باید یک ویژگی خاص داشته باشد تا میزان تاثیر گذاری اش افزایش یابد؛ بدین منظور باید دو مساله را مورد توجه قرار دهد؛ مساله اول اینکه آثاری تولید شود برای کودکان مهاجر و در اینجا خاصا افغانستانی و آثاری تولید شود از زبان کودکان افغانستانی برای بزرگسالان! لازم است نویسندگان و شاعران افغانستان گاه رویاها و گاه اعتراضات آنان را از طرف آن ها در قالب شعر و داستان بیان کنند. این آثار علاوه بر اینکه روحیه اجتماعی کودکان افغانستانی را تقویت خواهد کرد، اعتراض آنها را هم به گوش آنان که باید بشنوند خواهد رساند. نمی توان تنها از گل و بلبل و دوستی و مهر و محبت سخن گفت در حالی که واقعیت در جهان پیرامون، چیز دیگری است.. مساله دوم توجه دقیق تر و هوشیارانه تر به هدف و کارکرد آن است. آنچه ادبیات مورد بحث ما در حال حاضر کم دارد، آگاهی اجتماعی، روشنگری و تفکر انتقادی و تحلیلی است. مخاطبان این ادبیات باید از طریق شعر و داستان به شعور اجتماعی دست یابند، با مسائل و مشکلات اطرافشان بیشتر آشنا شوند، این ادبیات باید بتواند تفکر انتقادی و تحلیلی را در آنها افزایش دهد. آنها باید با کمک زبان لطیف، خیال انگیز و مهربانانه ادبیات، به مسائل اطراف حساس شوند و بیاموزند که چگونه با آن ها برخورد کنند تا شاید به این امید، نسلی که این ادبیات را می خواند، به قدرت تفکری دست یابد تا از طریق آن بتواند برای ساختن دنیایی بهتر و زیباتر، دست به اقدامی شایسته بزند.

۷- منابع

- ۱- برك، لورا (۱۳۹۲). ترجمه یحیی سید محمدی، روان شناسی رشد، ارسباران، تهران.
- ۲- پژواك، پروین (۱۳۹۵). صلح، مجله باغ، شماره ۵۵.
- ۳- پژواك، پروین (۱۳۹۴). من و نهال، مجله كودكان آفتاب.
<http://koodakaneaftab.com>
- ۴- حجوانی، مهدی (۱۳۸۶) درآمدی بر زیبایی شناسی ادبیات كودك، پژوهشنامه ع ادبیات كودك و جوان شماره ۵۱.
- ۵- حسینی، هاجر (۱۳۹۵). فرشته آسمانی، مجله باغ، شماره ۵۴.
- ۶- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۷). دیگر خوانی های ناگزیر، كانون پرورش فکری كودكان و نوجوانان، تهران.
- ۷- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۹). معصومیت و تجربه، مرکز، تهران.
- ۸- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۲). ویژگیها و مسایل فلسفه ادبیات كودك، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز شماره ۳۹.
- ۹- خسرو نژاد، مرتضی (۱۳۸۴). مفهوم كودکی و هدف ادبیات كودك، مطالعات ادبیات كودکی، شماره ۴۵.
- ۱۰- راد، دیوید (۱۹۸۴). ترجمه فریده پور گیو، شرایط امکان وجود ادبیات كودكان، پژوهشنامه ادبیات كودك و نوجوان، شماره ۴۸.
- ۱۱- رجایی، محمد (۱۳۹۵). روشنی. مجله باغ. شماره ۵۳.
- ۱۲- رجایی، محمد، بی توجهی مسئولان به ادبیات كودك و نوجوان افغانستان ۱۳۹۵/۲/۵
<http://www.khane-adabiat.com>
- ۱۳- زمانی، نرگس (۱۳۹۵) کفش هایی که خندیدند، مجله كودكان آفتاب، شماره چهارم.
- ۱۴- كودكان آفتاب، شماره اول
<http://af.farsnews.com/culture/news/13960227000223>
- ۱۵- قاسمی، الهام (۱۳۹۵) شیر مغرور و سلطان جنگل، مجله باغ، شماره ۵۲.
- ۱۶- مایل، آصف (۱۳۹۵). مژده که آمد بهار. شماره ۵۲.
- ۱۷- محقی، محمد کاظم (۱۳۹۱). شهر رو یاها، جامعه المصطفی، قم.
- ۱۸- محمدی، محمد حسین (۱۳۸۳). برك چینی، خانه كودكان افغانستان، تهران.
- ۱۹- محمدی، محمد حسین (۱۳۸۷). غچی غچی بهار شد، خانه كودكان افغانستان، تهران.

۲۰- محمدی، محمد حسین (۱۳۹۱). يك آسمان گنجشك، كانون پرورش فكري كودكان و نوجوانان، تهران.

۲۱- محمدی، محمد حسین (۱۳۹۰). چترهای دلگیر، خانه کودکان افغانستان، تهران.

۲۲- محمدی، محمد حسین (۱۳۹۵). بی بی جان، مجله باغ، شماره ۵۴.

۲۳- نوروزی، حسن (۱۳۹۴). گل سپید. مجله کودکان آفتاب، شماره سوم.

۲۴- جزئیات ثبت نام و تحصیل دانش آموزان افغانستانی در ایران، ۱۳۹۴/۶/۲۲.

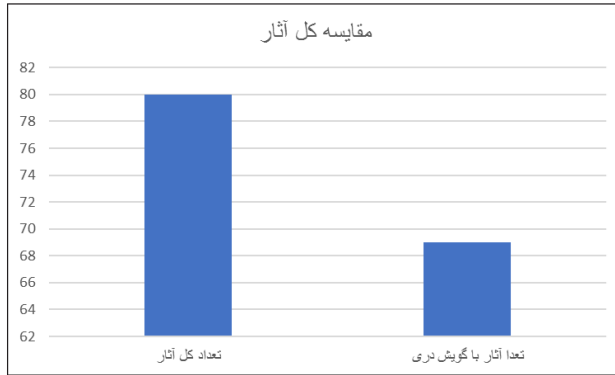
<http://af.farsnews.com>

۲۵- خبرگزاری صدا و سیما: ۱۳۹۴/۲/۲۲، ۲.۵ میلیون مهاجر افغانی در ایران

<http://www.iribnews.ir>

۸- نمودارها

نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲

